اخبار

انتشار شایعات درباره کرونا تنها مایه اغتشاش خبری است

معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد می‌گوید انتشار گمانه زنی‌ها، شایعات بدون منبع مشخص و بدون تأیید نهادهای رسمی صرفاً افزایش اضطراب و اغتشاش خبری را در پی خواهد داشت.

کارگاه آموزشی «مدیریت بحران با محوریت کرونا» با حضور ۲۵ نفر از روزنامه‌نگاران حوزه سلامت در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار شد.

محمد خدادی، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دکتر اکبر نیک‌پژوه متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی و رامین رادنیا مدیر واحد پورتال سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران سخنرانان این کارگاه آموزشی ۳ ساعته بودند.

محمد خدادی در ابتدای این نشست، ضمن ارائه توصیه‌هایی در خصوص سازوکارهای اطلاع‌رسانی در شرایط بحرانی، بر لزوم مرجعیت رسانه‌ای رسانه‌های رسمی در جریان رویدادهای اخیر به‌ویژه شیوع بیماری کرونا تاکید کرد.

معاون امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی به انتشار گسترده شایعات و گمانه‌زنی‌ها درخصوص شیوع ویروس کرونا اشاره و خطاب به خبرنگاران حاضر گفت: انتشار گمانه زنی‌ها، شایعات بدون منبع مشخص و بدون تأیید نهادهای رسمی صرفاً افزایش اضطراب و اغتشاش خبری را در پی خواهد داشت و آرامش و امنیت روانی مردم را هدف قرارمی‌دهد.

وی تاکید کرد: با توجه به انتشار گسترده اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی، وظیفه رسانه‌های شناسنامه‌دار و رسمی است که میدان‌دار و مرجع اطلاع رسانی برای مردم باشند تا ضمن جلوگیری از نگرانی بی مورد، موجب حفظ آرامش روانی مردم با دریافت اخبار درست و دقیق مورد نیازمردم دراین شرایط شویم.

بر اساس این گزارش، دکتر اکبر نیک‌پژوه، متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی نیز به بیان تاریخچه، سابقه و انواع گونه‌های ویروس کرونا پرداخت و ضمن ارائه توصیه‌هایی به خبرنگاران حوزه سلامت، آن‌ها را به کسب اطلاعات موثق از مراجع رسمی و تلاش مضاعف در کاهش نگرانی‌ها و التهابات جامعه دعوت کرد.

وی ضمن تشریح فرآیند رشد ویروس کرونا و مقایسه نقشه ژنتیکی این ویروس با دو ویروس سارس و مرس که در سال‌های گذشته موجب تلفات انسانی در جهان شدند، به این نکته اشاره کرد که خطر اصلی در ویروس کرونا سرعت شیوع آن است وگرنه بیش از ۸۰ درصد مبتلایان با درمان اولیه بهبودی پیدا می‌کنند و بقیه نیز در بیمارستان درمان می‌شوند. به گفته دکتر نیک پژوه تلفات انسانی این ویروس بر اساس آمارهای جهانی بین ۵/۱ تا ۳ درصد مبتلایان است که عمدتاً یا سالمند بوده و یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای بوده‌اند.

وی راه اصلی ورود ویروس کرونا را مخاط دهان و بینی و نیز چشم بیان کرد که در صورت رعایت بهداشت دست و شستشوی مداوم آن احتمال ابتلاء به حداقل می‌رسد.

این متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی با اشاره به علائم اولیه بیماری از جمله «تب، سرفه خشک و درد قفسه سینه» از تهیه و ابلاغ پروتکل‌های درمان این بیماری توسط وزارت بهداشت و روشن شدن مسیر درمان مبتلایان خبر داد و تاکید کرد: ایمنی بدن در قریب به اتفاق بیماران منجر به مقاومت در برابر ویروس کرونا و درمان آن بدون نیاز به بستری شدن در بیمارستان شده است.

دکتر نیک پژوه در انتها به ارائه آخرین اطلاعات موجود از شیوع بیماری کویید ۱۹ یا ویروس کرونا در سایت سازمان بهداشت جهانی پرداخت.

در ادامه رامین رادنیا نیز در سخنانی، آموزش و آگاه سازی افکار عمومی جامعه در شرایط بحرانی را مهم‌ترین اصل در پیشگیری، آمادگی و مقابله و مدیریت بحران عنوان کرد و گفت: سطح سواد و تحصیلات مخاطبان، ابزارهای در اختیار برای آموزش و اطلاع رسانی، برخورداری رسانه از اطلاعات و دانش موضوع مورد نظر، زبان مشترک برای انتقال معانی پیام‌ها، زمینه‌های فرهنگی پذیرش، وضعیت اقتصادی جامعه، میزان مقبولیت، مشروعیت و اعتبار منبع پیام، تجربه‌های پیشین، سطح حمایت و مشارکت اجتماعی، هنجارها، نگرش و باورهای عمومی، ازجمله عوامل مؤثر بر فرآیند اطلاع رسانی و آموزش جامعه در برابر بحران‌ها است.

وی خطاب به خبرنگاران حاضر در این کارگاه آموزشی گفت: به طور حتم تجربه ما در مواجهه با کرونا آگاهی عمومی جامعه ایران را نسبت به بیماری‌های فراگیر افزایش خواهد بخشید و نگاه به بهداشت محیط، الزامات پوشش درمانی و همچنین اطلاع رسانی و آموزش عمومی در برابر بحران‌ها متحول شده و نتایج مثبت آن نصیب نسل‌های آینده خواهد شد.

وی در پایان افزود: تاکنون رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی گوی سبقت را از رسانه‌های سنتی ربوده‌اند. دوسویه بودن ارتباطات و ایفای نقش مخاطب در رسانه، شفافیت و اعتبار، سرعت انتقال پیام، گستردگی مخاطب، سهولت دسترسی و نهایتاً قدرت نظارتگری مزیت رسانه‌های نوین به شمار می‌آید.

گفتنی است کارگاه آموزشی «روزنامه نگاری بحران» در چارچوب سیاست معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی برای گسترش آموزش‌های تخصصی روزنامه نگاری طراحی و اجرا شد.

کرونا هم به داد خواب و آشفتگی نگاه رسانه‌ای ایران نرسید

حمید نورشمسی

در حالی که تمامی کشور در حال درگیری با بحران کروناست خلاء نظام جامع اطلاع رسانی درباره این بحران در کشور به روشنی قابل حس است.

کرونا و آنچه این روزها این ویروس تازه‌وارد در حال واردکردنش به جسم و روان جامعه ایرانی است خارج از موضوعات بهداشتی یکی از تازه‌ترین بزنگاه‌های سنجش توان ارتباطی و رسانه‌ای در جامعه ایرانی در هنگامه رخداد بحران بوده است.

جدای از اینکه چرا اطلاع‌رسانی درباره چنین پدیده‌ای که دیگر این روزها به راحتی می‌توان از آن به عنوان یک بحران بین‌المللی نام برد در ایران چنین کند و با تأخیر شکل گرفته است، آنچه که این روزها خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد ناتوانی گروه‌های مرجع و رسمی در نوک مواجه با این رویداد در ایجاد نظام اطلاع‌رسانی جامع درباره این بحران ملی است.

بگذارید کمی از دور نگاه و به این سوال فکر کنیم که در فرآیند اطلاع رسانی این بحران چه اتفاقی در کشور در حال رخدادن است: وزیر بهداشت به عنوان رئیس ستاد ملی مقابله با کرونا، با رسانه‌ها مستقلاً مصاحبه می‌کند. سخنگوی دولت به عنوان سخنگوی ستاد نیز چنین کاری را پیش می‌برد. دبیر ستاد ملی نیز سومین مقامی است که چنین اتفاقی را برای مخاطبان خود رقم می‌زند. خارج از این ستاد سخنگوی وزارت بهداشت را نیز باید به زمره رابطان خبری با مردم درباره این پدیده افزود و در کنارش مشاور آقای وزیر و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی استان‌ها و به تازگی نمایندگان مجلس و استانداران هم خود را به این قافله رسانده‌اند. از حوزه افراد رسمی کمی که فاصله بگیریم بسیاری از متخصصان و پزشکان کشور نیز به صورت خودخواسته و یا با مراجعه اهالی رسانه درباره این بحران ملی به صلاحدید و دانش و تجربه خود اظهار نظر می‌کنند. در نوبت بعدی نیز صفحات مجازی در شبکه‌های مختلف هستند که اخبار و شنیده‌ها و حتی تحلیل‌های شخصی خود را در قالب خبر به مخاطب القا می‌کنند.

حالا سوال اصلی در اینجاست که در مواجه با چنین پدیده‌ای در مقیاس فعلی نظام اطلاع‌رسانی باید چه مختصاتی داشته باشد و نوع مواجهه رسانه‌ها، مسئولان و مطلعان این بحران با مخاطبان و مردم جامعه به چه شکلی باید باشد؟ یا به صورت کلی‌تر نظام رسانه‌ای در مواقع بحران باید چگونه ساختار بیابد و مرجعیت و جامعیت خود را در میان مخاطبان کسب کند؟

در تمامی کشورها از جمله ایران که کشوری حادثه خیز به شمار می‌رود سازمان‌هایی در ابعاد ملی برای مدیریت بحران‌های ملی و منطقه‌ای شکل می‌گیرد و برنامه‌ریزی جامعی نیز (لااقل بر روی کاغذ) در آن برای مقابله با بحران تنظیم و پروتکل‌هایی نیز بدین منظور تألیف می‌شود و در نهایت بسیاری از این مکتوبات در قالب مانورهایی تمرین می‌شود. با این همه به نظر می‌رسد در تمامی این برنامه‌ریزی‌ها موضوع رسانه و اطلاع رسانی امری به شدت به حاشیه رفته باقی مانده است و در عمل وابسته به سیستم خبررسانی‌های سنتی و غیر رسمی است.

نظام اطلاع رسانی در مواقع رخداد یک بحران ملی باید متکی بر برنامه‌ریزی‌های شکل گرفته برای مواجهه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت با یک بحران باشد که بر اساس اسناد بالادستی تمامی شکل و شمایل و درجات و رتبه‌ها و کانال‌های اطلاع رسانی را مشخص کرده باشد و حتی برای رویدادهای برنامه‌ریزی نشده نیز راهکار خاص خودش را داشته باشد.

هدف از این اتفاق شناخت و معرفی بحران به جامعه، حرکت دادن آنها به سمت کانال‌های ویژه به منظور عبور از بحران و مشارکت دادن آنها در رفع آن است. از سویی تأمین آسایش روانی در کنار آموزش راه‌های نجات از بحران و یا مواجه شدن با آن است. شناخت مساله، معرفی آن و گاه حتی تعریف درست از آن و شناخت مسائل در حاشیه مانده اصلی در یک بحران نیز وظیفه همین نظام است.

در کنار این اتفاق البته باید نظام دروازه‌بانی تولیدات خبری در فضای مجازی و رصد آنها و مواجه شدن با آن را نیز افزود.

حالا در این میان و حدود ده روز پس از اعلام رسمی میزبانی ایران از ویروس کرونا نگاهی به سازوکارهای رسانه‌ای موجود در این زمینه بیاندازیم

در حالی که طی ده روز اخیر خبر اول کشور و حتی رسانه‌های خارجی درباره ایران بحران کروناست در صفحه اول سایت سازمان ملی مدیریت بحران ایران حتی به اندازه درج یک خبر درباره این پدیده اطلاعاتی به مخاطب منتقل نمی‌شود.

از سوی دیگر پس از ایجاد ستاد کلی مبارزه با شیوع کرونا کماکان مرجعیت رسانه‌ای برای این ستاد شکل نگرفته است. نه پایگاه اینترنتی خبری آموزشی ترویجی و نه ایجاد کانال رسمی و مرجع اطلاع رسانی که بتوان به آن استناد متقن داشت و وجود کانال‌های خبری محدود اما معتبر. آنچه در عمل شاهد آنیم تلاش همگانی حاضران در عرصه مدیریت این بحران برای اطلاع رسانی و در نتیجه شکل‌گیری اخباری ضد و نقیض و فراموش شدن برخی از مهمترین وظایف و دستورات در این زمینه است.

عمده کانال اطلاع رسانی در این ستاد ملی از سوی رسانه ملی دیده شده است و به نظر می‌رسد که فراگیری آن در حال حاضر بیشتر از سایر رسانه‌های حاضر در صحنه است. برای پی بردن به این برداشت و اشتباه و یا لااقل اشتباه در قائل نشدن وزن حقیقی و صحیح برای سایر رسانه‌ها در کنار رسانه ملی می‌توان در یک بررسی ساده شاهد بود که یک فایل خبری تولید شده در صدا و سیما و به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی نسبت به فایلی مشابه که توسط کاربران مرجع در این فضا تولید می‌شود چقدر مورد رجوع و بازنشر قرار می‌گیرد.

تدارک ندیدن کانال‌رسمی و متنوع آموزشی در قالب این ستاد ملی که بدون سلیقه و با نشانی واجد که حاکی از استاندارد و قابل اعتماد بودن آن محتوا نسبت به موارد مشابه در فضای مجازی دارد یکی دیگر از کاستی‌های رسانه‌ای این ستاد ملی است. به عبارت دیگر به جای درگیر کردن بخش عمده زمان مسئولان این ستاد به رسانه‌ها می‌بایست از طریق تدارک دیدن شبکه‌ای بزرگ و جامع از سامانه‌های اطلاع رسانی درباره این رویداد در سطح ملی به اطلاع رسانی پرداخت و ابزار رسانه ملی را نیز مکمل آن کرد. اما در عمل آنچه شکل گرفته است ایجاد نوعی رقابت برای ارائه تحلیل درباره این بحران در رسانه‌های مرجع عمدتاً مجازی و کاغذی و نیز قدم برداشتن رسانه ملی در راهی است که خود می‌پسندد. شاهد مثال آن میزان اختصاص زمان برای آموزش به مخاطبان رسانه ملی در مقابل میزان زمان تدارک دیده شده برای تغییر روحیه آنها در بحران کروناست. آنچه در این میان حتماً مشخص نیست دوز مورد نیاز از هر کدام از این محتواها، نحوه تأمین و نحوه ارائه آن است که این خلاء ناشی از نبودن اتاق فکر رسانه‌ای در مرکز ستاد ملی مبارزه با کروناست.

مساله دیگر انتخاب رسانه برای اطلاع رسانی توسط مسئولان است. در حالی شبکه توئیتر در ایران یکی رسانه فیلتر شده و به تاکید دادستانی استفاده از آن موضوعی مجرمانه است، عمده اطلاع رسانی رسمی مدیران این ستاد ملی از این شبکه که ضریب نفوذ کمی در ایران دارد در حال شکل گرفتن است. در کنار آن و در بحبوحه بحران طی اطلاعیه‌ای از سوی دادستانی بر مجرمانه بودن استفاده از این شبکه و نیز سایر شبکه‌های مجازی همچون تلگرام تاکید می‌شود تا خلأ موجود در ایجاد کانال رسمی و فراگیر اطلاع‌رسانی در ایران به ویژه در مواقع بحران خود را بار دیگر بیشتر به رخ بکشد والبته پر و بال و جانی تازه به فیک نیوزها ببخشد.

مساله پایانی نیز موضوع مهم این روزهای بخش دولتی کشور که همانا بی‌اعتمادی عمومی به اطلاعات ارائه شده است را شامل می‌شود. در حالی که در موقع رخداد یک بحران همانند آنچه این روزها در میانه آن هستیم اعتماد به یک رسانه مهمترین سرمایه آن به شمار می‌رود، به دلیل نوع برخورد و مواجهه بخش به ویژه دولتی با رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی شفاف که منجر به سلب اعتماد عمومی شده است، رسانه‌های فیک و بی مرجع در فضای مجازی عنان کار را در دست گرفته‌اند و ذهن مخاطب را به هر سوی که بخواهند هدایت و بخش زیادی از زمان مدیران میدانی بحران را به مواجهه به محتوای تولید شده در خود و نوعی راستی آزمایی آنها در مواجهه با مخاطب مصروف می‌کنند. در حالی که شکل‌گیری یک نظام رسانه‌ای جامع و متنوع و یک اتاق فکر رسانه‌ای در ستاد ملی مقابله با کرونا می‌توانست این مرجعیت را به نفع جامعه به سمت خود مصادره کند و این حرکت را بر عکس کند.

آنچه در این مجال کوتاه به آن اشاره شد بخشی از مهمترین کاستی‌های بنیانی رسانه‌ای در مواجهه با بحران اپیدمی کرونا در ایران است و موضوعاتی مانند نگاه آموزش محور و نیز کارکردهای جامعه‌شناختی و روانی رسانه در مواجهه با بحران و کاستی‌های آن را نیز باید به این پدیده افزود که در شماره‌های آتی این نوشتار درباره آن صحبت خواهد شد.

محبتی مطرح کرد؛

شمس تبریز قائل به شروع معراج از درون انسان است

مهدی محبتی گفت: شمس تبریز معتقد است باید آنچه درون خود داری، دوباره برای خود باز کنی. باید پیامبر را الگوی خود بدانیم اما معراج را از درونمان آغاز کنیم که این، حرف جدیدی در معرفت‌شناسی است.

نوزدهمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره شمس تبریزی با محوریت «تحلیل انتقادی گفتمان شمس تبریزی در باب بدعت و متابعت» روز چهارشنبه ۳۰ بهمن با سخنرانی مهدی محبتی، عضو هیات علمی دانشگاه زنجان، در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

محبتی ابتدای این‌نشست گفت: درباره میزان قدرت اندیشه‌وری و ایجاد دبستان‌های مستقل معرفتی بزرگان سنتی ما، به‌ویژه صوفی‌مشربان، نکته‌ها و گفته‌های فراوان از گذشته تا امروز، موافق و مخالف، مطرح‌شده و ناگزیر گروه‌های اجتماعی مختلفی را به دنبال خود کشانده است. مخالفان اساساً منکر بسیاری از ارجمندی‌ها و تأثیرگذاری‌های مثبت و ممتد و عمیق اینان شده‌اند و در برابر، برخی از موافقان تا بدان‌جا پیش رفته‌اند که برای مثال مولانا جلال‌الدین را بزرگ‌ترین متفکر تاریخ فرهنگ ایرانی اسلامی و حتی بشری قلمداد کرده‌اند و گروهی دیگر با تکیه بر همین نوع گزاره‌ها، شمس تبریز را از این مرتبه هم والاتر دانسته و بالاتر برده و بر آن شده‌اند که وقتی شمس، فردی چون مولانا را شیفته و شیدای خود نموده است پس باید ژرفا و بلندای فکری و شخصیتی بس بیشتر از او داشته باشد و مشهوراتی همانند این.

وی افزود: البته در بی‌همتایی و تأثیرگذاری این نخبه‌های بی‌مانند فرهنگ ما هیچ شک و تردیدی نیست و این قولی است که غالباً جملگی برآن‌اند؛ هرچند تا به امروز کمتر گفتمانی به‌صورت مستدل و مستند و دور از غوغاها و غلبه‌های مد شده و عمدتاً مدرن، به این مدعیات به‌ویژه در باب شمس درخشان تبریز پرداخته است. در این گفت‌وگوها می‌کوشیم به یکی از این ساحت‌ها بپردازیم و عیار گفته‌های شمس را درباره مساله‌ی بغرنج بدعت و متابعت، به دور از هیاهو و غوغا، نقد و تحلیل کنیم و در حد عقل و نگاه خود دریابیم که نکته‌ها و مقالات او واقعاً چون گنجی است گوهربار یا مثل بسیاری از حرف‌های دیگر و دیگران مبالغاتی است مستعار.

این‌پژوهشگر در ادامه گفت: گنج گوهربار یعنی چه؟ شاهان گذشته گنج‌های بزرگی داشتند مانند شایگان، بادآورد و همین گوهربار. گنج گوهربار یادآور گنجی است که در روزگار ساسانیان در زمین یک کشاورز پیدا می‌شود و شامل چندین تنگ و آفتابه پر از زر است. مبالغه مستعار نیز ضد این گنج گوهربار است که از نوشته‌های سعدی گرفته شده است. سعدی در داستان علم بهتر است یا ثروت حق را به علم می‌دهد و دفاع طرفداران ثروت را مبالغه‌های مستعار می‌نامند. آیا حرف‌ها و مقالات شمس گنج گوهرباری است که باید کشف شود و یا تنها مبالغه‌ای گوهربار است؟ ما باید حرف مخالفان مولانا و شمس را هم بشنویم زیرا بسیاری از آن‌ها انسان‌های بزرگ و فهیمی بوده‌اند. بزرگ‌ترین اشکالی که بر ادبیات و فرهنگ ما می‌گیرند این است که زیبایی اندیشه را قربانی کرده است و پر از زیبایی‌های استعاری و تشبیهی است. مثلا صادق هدایت براین باور است که حرف‌های بسیاری از شاعران کلی و تکراری است که ما باید این موضوع را باز کنیم. این‌ها بخشی از گذشته‌ی دیروز ماست. ما باید گذشته را استخراج و در خدمت آینده بگذاریم.

بدعت در مقالات شمس چگونه است؟

محبتی گفت: خود این واژه «بدعت» که در مقالات شمس آمده چیست؟ چرا بایزید و ابن‌عربی را به بدعت محکوم می‌کند؟ ما باید به گذشته برگردیم و منظور بدعت را دریابیم. از دید شمس بدعت چیزی است که اول‌بار مطرح می‌شود و تازه و در جامعه است و وقتی دین به کمال می‌رسد چیزهایی بیاوریم که در دین نیست. ابن عربی بدعت را دو گونه می‌داند: بدعت هدا(خلاف امر رسول نباشد) و بدعت ضلال(طبق حرف رسول نیست). اکثر چیزهایی که در بدعت به‌کار می‌بریم مذموم است. آیا کسی در فرهنگ اسلامی جرات کرده که بگوید خدا خالق نیست؟ و مانند آن‌چه در تورات آمده است بگوید خدا «خواست و آفرید»؟ حکمای یونان معتقدند که عالم قدیم است و خدا مهندس است و خالق نیست. در خلق رابطه طولی است و خدا بالاست؛ در مهندسی هیچ کدام بر دیگری سبقت ندارند و در وحدت، عین هم هستند و این رابطه‌ی قدرت را می‌شکند. در ایران همیشه می‌خواستند رابطه طولی برقرار شود؛ پس دو رابطه دیگر رشد نکرده‌اند. تنها زکریای رازی جرات کرد که بگوید عالم قدیم است که به مقدمات خمسه معتقد بود.

وی ادامه داد: اما سنت چیست؟ هر چیزی است که یک نفر پدید آورد و قوم پس از آن، آن را اجرا کردند. اصل در سنت طریق (جاده هموار) و رفتار است و وقتی درباره‌ی شرع به کار رود، چیزی است که پیامبر امر و مردم را به آن سفارش کرده و در قرآن نیامده باشد. سنت راهی است پسندیده که بیش‌ترین پهنا را دارد. کلا سنت به معنای راه و جاده است. در فرهنگ اعرابی، اصل جاده بوده است که همیشه با آن سروکار داشته‌اند. بدعت امری است که نه دستور خدا و نه پیغمبر است. در جهان اسلام، مکاتب و ملل پدید نمی‌آیند؛ مگر اینکه مطلوب امر سیاسی و اجتماعی قوی باشند. هیچ ملل و نحلی به‌گونه‌ی شخصی پدید نیامده است. هم داعش و هم القاعده نمونه‌هایی گویاست. آیا در جهان اسلام کسی توان بدعت دارد؟ کسی که قدرت سیاسی و اجتماعی ندارد، توان بدعت ندارد.

بدعت صغیر و کبیر چگونه است؟

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش گفت: بدعت صغیر: نوآوری‌هایی در درون خود دین. بدعت کبیر: حرف‌هایی در بیرون از آن ساختمان و سازمان. با توجه به این‌که همه‌ی مکتب‌های تاریخ برآمده از امری سیاسی و اجتماعی است، امکان بدعت کبیر وجود ندارد. در کتاب سیاست نامه، خواجه نظام‌الملک درباره‌ی روش حکومت‌داری چنین گفته است: ریشه‌ی همه‌ی مخالفان را باید کند و تفتیش کرد. امروز در جهان دو مکتب است که بر راه راست است یکی حنفی و دیگر شافعی. نظام‌الملک خطاب به ملک‌شاه که قدرت او را تنها یک دوات و قلم نامیده بود گفت که اگر این دوات را از جلو من بردارند، شمشیر شما هم از دستتان خواهد افتاد. در کتاب الفرق بین الفرق، عبدالقادر بغدادی به روایت یک حدیث منصوب به پیامبر می‌پردازد که در آن آمده است: «امت من به ۷۳ ملت بخش خواهد شد...» سپس به توضیح درباره‌ی این فرقه‌ها می‌پردازد. در آن حدیث، به‌جز یکی، همه‌ی فرقه‌ها باطل خوانده و شمرده شده‌اند که باید نابود شوند. مولانا نیز معتزله را تا اندازه‌ی خر پایین آورده است و راه آنان را راه خران دانسته است اما گزاره‌ی اصلی مولانا و شمس این است که ما نسبت به مذاهب بی‌طرف نیستیم. ما جاده‌ی اصلی هستیم و دیگران همه بدعت‌اند. اما چرا باید حتما یک جریان در کار باشد، این فرهنگ باید تا کی دنباله داشته باشد؟ آن هم در ایران که اساس آن چندصدایی است؟

محبتی گفت: تا این موضوع حل نشود نمی‌توان کاری از پیش برد. اصلا بنیاد روشن‌گری بر چندصدایی است. «ولتر» گفته است: «زنده باد مخالف من... من دشمن تو و عقاید توام اما حاضرم جانم را فدا کنم که تو عقاید خود را بگویی.» دین در پی ایجاد ماهیت، هویت و قدرت جمعی است اما عرفان می‌خواهد قدرت جمعی را ازهم بپاشد تا تو به خلوت برسی. این که بگوییم عرفان حتما دینی است قطعا غلط است. یکی از شاخه‌های عرفان دینی است. عرفان در پی خاموش کردن حواس ما برای درک و هم‌سویی با آن قدرت مطلق است. این اندیشه با هویت‌سازی، قدرت‌سازی، لشگرکشی و جمعیت‌سازی جور در نمی‌آید. باید خاموش شد تا روشن شوی؛ همان چیزی که بایزید گفته است: «روشن‌تر از خاموشی چراغی ندیدم روشن‌ترین چراغ عالم خاموشی است.» کلام شمس نسبت به دیگر بزرگان اسلام، تندتر است. این تندی کلام وی از سر کین نیست بلکه از سر درد است.

منشا سخن‌های شمس کجاست؟

نویسنده کتاب «از معنا تا صورت» گفت: شمس درباره چند شخصیت اظهار نظر کرده که از آن‌میان، می‌توان به بایزید بسطامی اشاره کرد. درباره‌ی وی گوید: «چون مست بود سبحانی گفت، متابعت مصطفی به مستی نتوان کرد... هرکس چنین بگوید گم‌راه شده و این در دین محمد بدعت است، سخن منزلت رها کن ای بایزید... اگر کسی را گمان باشد که حال او قوی‌تر از حال مصطفی است، سخت احمقانه آدم باشد.» درباره سنایی هم چنین می‌گوید: «این است محرومی‌اش، از این است بی‌خبری‌اش به آخر عمر زنار خواست و دوباره برگشت ... دو بیت خاقانی برتمام دیوان سنایی می‌ارزد.» شمس درباره عین‌القضات گفته است: «از سخنانش یخ می‌بارد» ابوسعید ابوالخیر نیز «۱۲ سال گیاه خورد و به خودش زجر داد...» خیام نیز «گاهی بر خلق می‌نهد تهمت را باری بر روزگار، باری بر بخت، باری به حضرت حق، باری نفی می‌کند و انکار و اثبات، باری اگر می‌گوید، سخنانش درهم و بی‌اندازه و تاریک است.»

وی افزود: شمس درباره حلاج دارد: «حلاج خام و رسوا و نارس و ناقص است که اگر مرا بودی او را کشتم و یا توبه دادم.» همچنین درباره فخررازی می‌گوید: «فخر رازی چه زهره داشت که گفت محمد تازی چنین گوید و محمد رازی چنین! این مرتد است...» شمس به سهروردی نیز اشاره می‌کند و این چنین می‌گوید: «سهروردی می‌خواست این درم و دینار برگیرد که سبب فتنه است و معاونت خلق به چیزی دیگر باشد و سهروردی ترک متابعت کرد.» «ابن‌عربی کوهی بود شیخ محمد اما در متابعت نبود.» این‌جا باید از شمس پرسید که متابع کیست؟ در واقع متابعت الگوسازی از رفتار پیامبر بر مبانی آن‌چه او گفته، کرده و یا تایید کرده است. متابعت این نیست که تو از بیرون کسی رفتار وی را تقلید کنی، بلکه یعنی این‌که تو فهم او را در درون خودت زنده کنی؛ چون اگر چیزی در تو نباشد، هیچ پیغمبری نمی‌تواند چیزی که تو نداری را به تو بدهد. یعنی بازیافت نیروهایی درونی از طریق الگوگیری از پیامبر؛ نه این‌که تقلید کردن از او. شمس دلیل گمراهی‌ها را ندانستن معنای مطابعت، موافقت و این که پیامبر چه‌می‌خواست بگوید می‌داند. از دید شمس حقیقت متابعت این است که آن‌چه تو درون خود داری، آن را دوباره برای خود باز کنی. ما باید پیامبر را الگوی خود بدانیم اما معراج را از درون خود آغاز کنیم که حرف بسیار تازه‌ای در وادی معرفت‌شناسی است.

اخبار

اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف درباره کرونا سرلوحه فعالیت رسانه‌ای باشد

معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تشکر از فعالیت مستمر و ۲۴ساعته رسانه‌ها در ماجرای ملی مبارزه با شیوع کرونا نکاتی را به رسانه‌ها متذکر شد

ضمن قدردانی از فعالیت شبانه‌روزی اصحاب رسانه در یک هفته گذشته بویژه در ابعادی چون «آموزش همگانی و واقعی سازی مساله، ایجاد مفاهمه عمومی برای یک موضوع تخصصی، افزایش مشارکت جمعی و همبستگی ملی در جهت تقویت همکاری میان مردم و متولیان، همچنین تکریم و تقدیر از جامعه دلسوز پزشکی و پرستاری که در خط مقدم مبارزه با این مساله حضور دارند» از تلاش مسئولانه تمامی دست اندر کاران رسانه، خبرنگاران، فعالان شبکه‌های اجتماعی و کنشگران مدنی که در این روزها همراه با مردم، دغدغه همکاری با خدمتگزاران در کشور را دارند، صمیمانه تشکر می‌شود.

بی تردید انعکاس جلوه‌های حضور داوطلبانه مردم در امداد عمومی و نکوهش رفتارهای فرصت طلبانه همچنین حضور میدانی خبرنگاران برای اطلاع رسانی دقیق و منطبق با واقعیت از شرایط جاری کشور برای ایجاد اجماع ملی ایرانیان در مقابله با این بیماری، در تاریخ و تقویم آگاهی‌بخشی عمومی ثبت خواهد شد.

لذا برای کمک به مهار این بیماری از منظر اطلاع رسانی، توصیه می‌شود:

۱. توصیه‌های آموزشی و بهداشتی در زمینه پیشگیری، درمان‌های اولیه و مراجعات تخصصی همچنان به عنوان نیاز اولیه مردم در دستور کار رسانه‌ها قرار گیرد که همچون روزهای گذشته تاکید بر توجه، استناد و اعتماد به اطلاعات دقیق منتشره توسط وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است.

۲. به عنوان ابتدایی‌ترین عنصر فعالیت حرفه‌ای «اصالت اطلاعات» منوط به اعلام هویت و منبع خبر و اطمینان باز نشر دهنده از محتوی صحیح است؛ در این صورت مانع از هرگونه سو استفاده و سوءبرداشت و انتشار اخبار جعلی با هویت نامعلوم و بعضاً محتوای ارسال شده از بیرون کشور خواهیم شد.

۳. فراموش نکنیم انتشار و یا بازنشر یک خبر که از صحت آن اطمینان نداریم خسارت کمتری از عدم انتشار آن دارد زیرا قطعاً خسارت انتشار چنین اخباری در موضوعاتی که با سلامت مردم ارتباط مستقیم دارد، غیر قابل جبران و بعضاً فاجعه‌بار خواهد بود.

۴. نظرات فردی با توجه به تخصصی بودن موضوع «ویروس کرونا» که با امنیت روانی و جان هموطنان‌مان گره خورده، در کنار انتشار گمانه‌ها، احساسات و برداشت‌های فردی که بسیاری از سر دلسوزی است نباید جایگزین تصمیمات تخصصی و عمومی دستگاه‌های مسئول در مواجهه با این شرایط شود.

۴. «اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف» ممانعت از هرگونه پنهان کاری به هر دلیل و نیتی، دستور صریح رئیس جمهور محترم به همه دستگاه‌ها است، و انتظار این است با مرجعیت دادن به اطلاعات دقیق و مبتنی بر واقعیت و مستند به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، این مهم را ممکن کنیم.

۵. تصمیم در مورد وضعیت عادی شدن هر گوشه از جغرافیای ایران بر عهده متخصصان متولی در هر منطقه است؛ و به صورت طبیعی متولیان از هرگونه پیشنهاد سازنده استقبال می‌کنند اما انتظار نمی‌رود نظرات و دیدگاه‌های افراد مختلف غیر متولی و غیرمتخصص، و در بسیاری از موارد با هدف دلسوزی قابل تقدیر، جایگزین تصمیم متخصصان و متولیان دستگاه‌ها شود همه وظیفه داریم مانع از ایجاد شبهه و تردید نزد افکار عمومی در موضوعات ملی شویم بی شک نهادهای متولی هرگونه تصمیم مبتنی بر صیانت حداکثری از مردم در برابر این بحران را اتخاذ کرده و بر همین مبنا شرایط هفته آتی را بر اساس برآوردهای هر منطقه ارزیابی و اجرا خواهند کرد.

۶. غلبه بر بحران، اقتدار در تصمیم بهنگام و عبور از بحران نیازمند اجماع ملی و حمایت همه جانبه از تصمیم متولیان متخصص و فداکار حاضر در میدان بحران است؛ و این مهم، اهتمام ملی و حمایت رسانه‌ای را برای تبیین و تشریح برای همکاری همبستگی و مشارکت ملی را می‌طلبد

بزرگترین نمایشگاه گردشگری جهان پس از ۵۴ سال لغو شد

نمایشگاه ITB برلین به عنوان بزرگترین نمایشگاه گردشگری در جهان از سوی دولت فدرال آلمان و به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا برای اولین بار پس از ۵۴ سال لغو شد.نمایشگاه گردشگری آلمان قرار بود از ۱۴ اسفند ماه در شهر برلین به مدت ۵ روز برگزار شود. برای برگزاری این نمایشگاه هزینه‌های زیادی شده بود و بسیاری از کشورها نیز حضور داشتند. حتی ایران نیز قرار بود در این نمایشگاه پاویون داشته باشد اما به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا این نمایشگاه پس از چندین دوره برگزاری، از سوی دولت آلمان لغو شد.این در حالی است که پیش از این وقایع مهم تاریخی دیگر در جهان نتوانسته بودند جلوی برگزاری این نمایشگاه گردشگری بزرگ را بگیرد. در نمایشگاه گردشگری برلین بیش از ۲۰۰ هزار تورگردان، فعال گردشگری، ایرلاین، هتلدار و... از بیش از ۱۸۰ کشور جهان شرکت می‌کردند تا برای گردشگری جهان در سال ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی و مخاطبانی برای خود جذب کنند. مسئولان بهداشت دولت آلمان از مسئولان نمایشگاه گردشگری خواسته بودند تا در فضای سربسته نمایشگاه سلامت شرکت کنندگان را تضمین کنند. اما از آنجا که شرکت کنندگان از کشورهای بسیاری در یک بازه زمانی کوتاه به نمایشگاه می‌آمدند متولیان ترجیح دادند تا برای سلامت شهروندان آلمانی و شرکت کنندگان امسال این نمایشگاه را به رغم خسارت‌های فراوان دولت‌ها و کشور آلمان برگزار نکنند.